

حاتمی «ساز» را با سینما به مردم نشان داد

❧ شاید دلیل این اتفاق به این خاطر بود که حاتمی خودش تهیه‌کننده این فیلم هم بود...

بله احتمالا همین‌طور است.مهم‌ترین مشکلی که من و خیلی از دوستان با فیلم داشتیم، انتهای آن بود. پایان فیلم اینگونه است که گروه موسیقی که برای ضبط صحنه به خارج از کشور رفته‌اند با کشتی در حال بازگشت هستند، اما کشتی آنها در جریان جنگ عثمانی روی آب منجمد می‌شود و صفحه‌ها از طریق موج به ساحل می‌رسد یعنی موسیقی در هر صورت خواهد ماند و این پیام اصلی و اساسی فیلم بود. خب طبق این فیلمنامه قرار بود که آخر فیلم ماکت کشتی روی آب منجمد شود اما آخرش چون حاتمی بودجه نداشت این را با تابلو نقاشی نشان داد که به نظر من و اکثر دوستانی که در فیلم کار می‌کردند، گویا نیست. حالا شما اسم آقای کشاورز را هم آوردید. من یادم هست وقتی که برای اولین‌بار فیلم را می‌خوانستیم ببینیم، من و آقای کشاورز در سالن، کنار هم نشسته بودیم. البته خیلی هم برای من دیدن فیلم در کنار ایشان لذتبخش بود، چون در همه صحنههایی که ایشان بودند من هم بودم. آقای کشاورز خیلی خوش صحبت، علاقمند و آگاه به موسیقی بود. در کل کار هم از تجربیاتشان استفاده کردم. آن روز وقتی فیلم تمام شد، هم من و هم آقای کشاورز تقریبا از آن پایان شوکه شدیم. ایشان هم می‌گفت آن چیزی که باید می‌شد، نشده است چون ما خیلی خبر نداشتیم که چه اتفاقی قرار است بیفتد. هر کسی نقش خودش را ایفا کرده و کارش را انجام داده و رفته بود. البته من چندبار از آقای حاتمی پرسیدم. ایشان گفت خیلی عالی شده، با نقاشی درستش کردیم و حل شد. چون شاید حدود یک‌سال ایشان فقط سر همین مسأله پایان فیلم مانده بود که چه کند. البته علی حاتمی بسیار توانا بود و قطعا از آن چیزی که ما فکر می‌کردیم، می‌توانست بهتر هم کار کند و فیلم را بسازد. اما متأسفانه مشکلات اقتصادی برای او این مانع را به وجود آورد و یک‌جورهایی حاتمی خسته و پایان فیلم آنگونه شد. ❧ **گویا ماجرای فیلم واقعی است. در دوره قاجار خوانندای به نام مرحوم ظلی به تفلیس می‌رود و آنجا بر اثر سوت قلی می‌کند...**

خیلی از این اتفاقات می‌تواند واقعی باشد یا نباشد. مثل خود فیلم که تاریخ موسیقی ایران نیست، بلکه اقتباسی است از آنچه در تاریخ موسیقی ایران اتفاق افتاده است چون در آن دوره امکانات ضبط در ایران وجود نداشته خیلی از نوازندها همان‌طور که صفحاتشان الان وجود دارد، در آن دوره تفلیس می‌رفتند و کارشان را آنجا ضبط می‌کردند ولی در تمام اینها تخیلات و ذوق هنری آقای حاتمی نقش اصلی را داشت. در هر صورت هیچ‌جای فیلم دور از حقیقت نیست اما عین حقیقت هم نیست. ضمن اینکه این فیلم هم مثل دیگر آثار آقای حاتمی سرشار از دیالوگهای زیباست، شما در تمام فیلمهای ایشان وقتی نگاه کنید انگار هنرپیشه‌ها نشسته‌اند و با هم مشاعره می‌کنند به جای دیالوگ و این یکی از ویژگی‌های خاص کار علی حاتمی است.

❧ **گویا ابتدا قرار بوده آقای مشایخی نقش استاد دلنواز را بازی کنند.** اما به خاطر بازی در سریالی انصراف می‌دهند و بعد فرامرز صدیقی برای این نقش انتخاب می‌شود. شما در جریان این موضوع بودید؟

من راجعه به این مسایل خیلی اطلاع نداشتیم. البته حاتمی علاقه خیلی زیادی به آقای مشایخی داشت ولی این یکی را نمی‌دانستیم. راستش در آن موقع که قرار شد موسیقی دلشدگان را بسازم، جماعت سینما را خیلی نمی‌شناختم. اما بعد از دلشدگان کم‌کم افتخار آشنایی با هنرمندان سینما را پیدا کردم و الان دیگر تقریبا خودم هم جزو خانواده سینما هستم.

❧ **شما برخی تصنیف‌ها را در قالب تصنیف‌سازی‌های دوره قاجار ساختید و از این باب خیلی تحسین شدید. این هم پیشنهاد آقای حاتمی بود؟**

بله فضای فیلم می‌طلبید که تصنیف‌ها با سبک و حال و هوای همان دوران ساخته شوند اما حاتمی، خودش کاملا این فضاها را داده بود، یعنی جوهره اصلی تمام تصنیف‌ها باز کلام خود حاتمی بود، همان شروع شعرها یا موضوع شعرها، موسیقی را به من می‌داد و تمام تم موسیقی فیلم از همین کلام حاتمی بود. مثلا یکی از چیزهای مهمش همین «گلچهره» است که واقعا زیبا است... می‌گوید: «گلچهره بریز تو خون من بلبل نعره‌زن را»، که فوق‌العاده است. البته همان‌طور که قبلا گفتم به پیشنهاد آقای شجریان برخی شعرها را آقای مشیری کمی تغییر داد.

❧ **گو یا استاد شجریان پیشنهاد داده بود که چون فیلم راجعه به تاریخ موسیقی ایران است، از اشعار کلاسیک مثل سعدی و حافظ هم استفاده شود.**

خب، آنها را خودشان ضبط کرده بود. یعنی در آوازهایی که ایشان خوانده بودند، از شعر حافظ استفاده کرد که البته استفاده بسیار خوبی بود. چون این شعرهای کلاسیک خیلی با فضای فیلم تطبیق داشت و نتیجه آن آوازه‌ای فوق‌العاده‌ای آقای شجریان شد. وقتی که قرار شد آقای شجریان این کار را انجام دهد، واقعا روی این فقیه تمرکز کرد. ایشان آوازه‌ها را در کوه خواند و ضبط کرد و آورد. ایشان صدای ضبط‌شده را به من داد، بعد من رویش کار کردم. یعنی بردم به استودیو و در واقع من با صدای شجریان که خودش نبود، ساز زدم. ولی روی همه اینها فکر کردم. می‌انید، در این فیلم یک بیپوندی بین همه ما بود. وقتی که هدف یکی باشد، انشخاصی که می‌خوانند با هم کار کنند، یک حس مشترک پیدا می‌کنند و به‌طور زنجیرهای به همدیگر کمک می‌کنند. وجود هر کدام از این دوستان و هنرشان آن یکی را کامل می‌کرد و در نهایت این اتفاق به فیلم کمک کرد.

❧ **تعدادی از شاگردان شما مثل آقای صامری هم ظاهر در فیلم بوده‌اند.**

بله صحنه‌ای هست که تار می‌زند در عکسی که انداختیم من هم هستم البته فقط برای عکس پشت‌صحنه من بودم. ولی بقیه کسانی که به‌طور حرفه‌ای ساز می‌زنند، در فیلم همه شاگردان من هستند.

مسعود کیمیایی، کارگردان مطرح سینما و کارگردان فیلم متروپل این روزها به‌شدت درگیر آماده‌سازی جدیدترین فیلمش برای نمایش در جشنواره فجر است. کیمیایی در گفت‌وگویی با «شرق» خبر می‌دهد که این فیلم طی چند روز آینده برای نمایش در جشنواره آماده می‌شود. به گفته کیمیایی پنج تا ۱۰ روز دیگر متروپل به‌طور کامل آماده نمایش برای حضور در جشنواره است.

اولین قهرمان زن کیمیایی

قهرمان اصلی فیلم جدید کیمیایی برای اولین‌بار یک زن است. فیلمبرداری بیست‌ونهمین فیلم مسعود کیمیایی با نام موقت «متروپل» شامگاه ۲۹ تیرماه در تهران آغاز شده بود. این کارگردان در افتتاحیه این فیلم گفته بود: «شخصیت اصلی فیلمش یک زن است چراکه دیگر مردهای فیلم‌های او پیر شده‌اند و در همان سینمای تخریب‌شده «متروپل» مانده‌اند.» او درباره دلیل انتخاب همنما «متروپل» به‌عنوان لوکیشن اصلی فیلمش نیز گفته بود: «این سینما تأثیر بسیاری بر روحیه من گذاشت و آرام‌آرام به‌سمت سینمای ازدست‌رفته، خیابان ازدست‌رفته و محله ازدست‌رفته، رفتم و این کمک زیادی به من کرد.» کیمیایی از اینکه به‌واسطه این فیلم، سینما متروپل تا حد زیادی بازسازی شد بسیار خوشحال شد؛ چراکه این سینما برای نسل او بر از خاطرات فراموش‌نشده‌ی است. مهناز افشار، محمدرضا فروتن، پولاد کیمیایی، ساعد سهیلی، شقایق فراهانی و سحر دولتشاهی از بازیگران اصلی فیلم هستند و تقریبا ۱۰ نفر از بازیگران هم از مدرسه آزاد بازیگری هستند که بخشی از اینها، افراد پشت دوربین را تشکیل داده‌اند.

یک فیلم غیرمتعارف

این ششمین فیلمی است که علیرضا زرین‌دست در آن به‌عنوان فیلمبردار، با مسعود کیمیایی همکاری کرده است. زرین‌دست چندی پیش در مصاحبه‌ای گفته بود: مطمئتم اثر جدید کیمیایی فیلم خوب و قابل اعتنایی خواهد شد. یک فیلم غیرمتعارف نسبت به دیگر آثار کیمیایی. اگر از این لفظ استفاده می‌کنم باید این است که فیلم‌های کیمیایی معمولا ویژگی‌های خاص خود را دارند و «متروپل» رنگ‌وبوی کمتری از آن نوع فیلمسازی برده و البته این تفاوت مورد پسند مخاطب واقع خواهد شد و دیدنش کسی را آزار نمی‌دهد. مسعود کیمیایی بسیار امیدوار است که در نهایت، به متروپل بتواند مخاطبان را بار دیگر به سالن‌های سینما بکشاند.

بازخوانی خطابه «نوبل» آلبر کامو و لایحه خرید آثار هنری

« صنف» نه؛ «اعتراض»

بهبود رابطه کارمند و ارباب‌رجوع تحقیر کرده است. پس به تکرار باید سوال کرد هنر چیست و هنرمند کیست؟ و هم‌زمان یادآوری کرد خطابه کامو را در مورد هنر سفارشی که: ... بدترین تجمل‌هاست و مضحک‌ترین دروغ‌ها». هنوز فرضیه «هنر برای هنر» که کامو آن را «سرگرمی هنرمند گوشه‌گیر» می‌خواند که در برابر انسان و جهان و تمام بدی‌هایش اعلام بی‌مسئولیتی می‌کند تملی نیافته است که امروز گویا باید از «هنر برای دولت» سخن گفت. هنرمندی که امروز کارش را به دولت بفروشد چگونه می‌توان انتظار داشت که منتقد او باشد؟ رابطه هنر و آزادی که در کمال تعجب و البته نیکویتی، رییس‌جمهور هم از آن سخن گفت چیست و چه می‌تواند باشد؟

البته هر شهروندی، غم نان دارد. اما آیا پرسش این است که کدام‌یک از هنرمندان تاریخ، هنرشان را به نان دولتی فروخته‌اند؟ آیا نباید دوباره پرسید که در دنیای امروز هنر چیست و هنرمند کیست؟ هنر چیست و چه‌کاری از او برمی‌آید؟ کامو می‌گوید: «اگر هنرمند بدبختی‌های تاریخ را به حساب نیاورد ممکن است یا دروغ بگوید یا حرف‌های زیادی بزند که در پایان کار معلوم می‌شود که اصلا حرفی نزده است.» به‌واقع آثار هنری‌ای که بر اساس آیین‌نامه دولتی – هر آیین‌نامه‌ای، بی‌توجه به چیستی و چرایی آن– خلق شود، چه درد و دغدغ‌های می‌توان از آن انتظار داشت؟

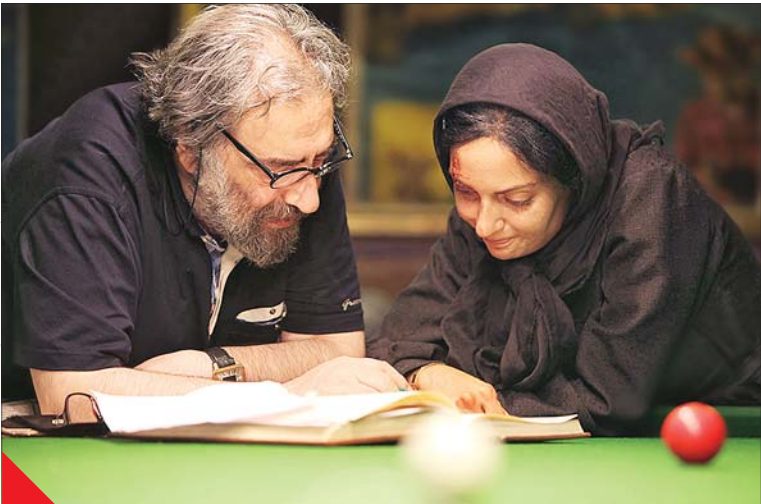
البته تردیدی بر این نیست که ۳۷۰میلیاردتومان می‌تواند اقتصاد هنرمندانی را بهتر کند اما نمی‌توان و نباید از تأثیر آن در رویکرد هنر و هنرمند فروگذار کرد. نمی‌توان نگران رابطه این میلیاردتومان با کاسیان و دلان هنر نبود. که هنرمندان خود نیک می‌دانند که اینان چه کرده‌اند و چه‌ما می‌کنند یا درصد فروش آثار هنری. سوال دیگری که پیش می‌آید اینکه اختصاص ۳۷۰میلیاردتومان به خرید آثار هنری چه تأثیری در اقتصاد هنر در بلندمدت خواهد داشت؟ البته از وظایف دولت حمایت از صنف‌های مردمی است، اما هنر بیش از آنکه صنف باشد به گفته کامو «انتقاد» است. نباید گذاشت که حمایت دولت از هنر، منجر به مواجهه دولت به‌عنوان قدرت، با هنرمند و اثر هنری باشد. نباید کار به جایی برسد که دولت دست به انتخاب آثار هنری زند و در بازار عرضه و تقاضا بسازد. مگر آنکه هنر را تابلوی تزئینی بی‌خاصیتی ببینیم تنها برای رنگین کردن دیوار دالان‌ها یا ادارات دولتی. تنها برای یادآوری روزهایی که صاحبش از آن بهره می‌برده است و اینک ناتوان شده حمایت دولت می‌تواند در قالب حمایت از جامعه‌های هنری– مدنی باشد و همکاری با نهادهای هنری چون انجمن‌های هنرمندان، کاهش میزبای باشد و رها‌نیدن بی‌پنال‌ها. نه چیزی شبیه بارانه نقدی به هنرمندان، آن‌همم در برابر گرفتن آثار هنری‌شان. این با عزت هنرمند در تناقض است.

هنر

«متروپل» تا ۱۰ روز دیگر به جشنواره می‌رسد

قهرمان «زن» کیمیایی در راه است

محمد تاجیک



کیمیایی و مهناز افشار پشت صحنه «هنر و نیل» عکس: نیک برزویی

سنت‌شکنی آقای کیمیایی همانطور که گفته‌شد برخلاف فیلم‌های دیگر کیمیایی این‌بار قهرمان اصلی «متروپل» یک زن است. این اولین‌بار است که آقای کیمیایی دست به چنین کاری می‌زند. به گفته خودش تاکنون او را به داشتن سینمای مردانه محکوم کرده‌اند و بر این باور بودند فیلم‌هایش زیادی مردانه است و تکیه کیمیایی در آثارش صرفا روی آقایان است اما خب این‌بار، او سنت‌شکنی کرده و در متروپل یک زن را به‌عنوان قهرمان فیلمش انتخاب کرده است.

ماجرای اسپیدیدگی شدید پولاد کیمیایی مردادماه امسال بود که خبر وقوع سانحه‌ای برای «پولاد کیمیایی»، در هنگام فیلمبرداری «متروپل» خبرساز شد. طی این اتفاق، کیمیایی با شیشه‌ای اصابت می‌کند که در نتیجه این اصابت، تاندون دست او پاره شده و سه انگشت دست او نیز به شکلی جدی، پاره می‌شوند.

فیلمی که قرار بود گلزار بازی کند

مدتی است خبری از فعالیت سینمایی تازه محمدرضا گلزار نیست. جالب است، بداندین این بازیگر که مدتی از ایران دور بود بعد از بازگشت قرار بود در متروپل مسعود کیمیایی بازی کند که این همکاری منتهی شد. **آهنگساز فیلم‌های وسترن در متروپل** آرم‌آه بود که مسعود کیمیایی به همراه پولاد کیمیایی عازم کشور اوکراین شد تا در جریان ساخت موسیقی «متروپل» توسط بهزاد عبدی قرار بگیرد. با پایان یافتن

تهیه‌کننده برنامه «صبح بخیر ایران»:

نشان دادن «ساز» اشتباه من بود



❧ **شرق:** نشان‌دادن «ساز» در برنامه زنده «صبح بخیر ایران» با استقبال بسیاری از هنرمندان و مردم و رسانه‌ها روبه‌رو شد؛ در این میان و در حالی که مسوولان رسانه ملی درباره این رخداد، سکوت خبری کرده‌اند، تهیه‌کننده «صبح بخیر ایران» در گفت‌وگو با «فارس» اعلام کرده که نمایش «ساز»‌های گروه موسیقی «آوای پارسیان» در تلویزیون ناشی از اشتباه اوست و به تغییر رویکرد مسوولان صداوسیما، ربطی ندارد و شخص وی پای پیامد آن نیز می‌ایستد. «غلامرضا بختیاری» که چندین سال است در برنامه «صبح بخیر ایران» تهیه‌کننده آن است، توضیح داده است: «ما در برنامه «صبح بخیر ایران» به مناسبت روز میلاد پیامبر (ص) از گروه موسیقی «آوای باران» آ‌وای پارسیان آ دعوت کردیم تا برای اجرای موسیقی به برنامه «صبح‌بخیر ایران» بیایند. در حین اجرای برنامه، اشتباهی از سوی ما سازندگان برنامه روی داد و به‌مدت ۱۰ ثانیه تصویری از گروه موسیقی به همراه سازهایشان نشان داده شد که بلافاصله با واکنش شبکه‌های خارجی و البته رسانه‌های هم‌سو یا آنها در داخل ایران همراه شد. تصویری که از سازها روی آنتن تلویزیون رفت، ربطی به تغییر و تحول در نگاه یا عملکرد سازمان صداوسیما ندارد و فقط اشتباه سهوی بود که از سوی ما روی داد و البته من پای پیامد این اشتباه هم می‌ایستم.» بختیاری در عین حال، مدعی شده است: «تعدادی از رسانه‌های داخلی کاملا هم‌سو با رسانه‌های بیگانه عمل می‌کنند و در این مسیر حتی یک واو از خبر و مطلبشان را هم عوض نمی‌کنند. اگر واقعا برخی از این روزنامه‌ها و سایت‌های خبری به سوزه برای رسانه‌هایشان نیاز دارند تا بتوانند فروش کنند، به ما خبر بدهند تا باریشان سوزه‌فراهم کنیم»

تهیه‌کننده «صبح بخیر ایران» در حالی بر ۱۰ثانیه‌ای‌بودن نمایش «ساز»‌ها تأکید دارد که به استناد تصاویر این برنامه در شبکه‌های پخش فیلم و از جمله سایت‌های مرتبط اینترنتی، اجرای گروه موسیقی حاضر در برنامه که شامل نمایش همه «ساز»‌های گروه بوده از ساعت ۸:۳۳ صبح آغاز و تا حدود ۸:۴۵ ادامه یافته است.



نمایشگاه نقاشی غزاله اخوان Paintings Ghazaleh Akhvan

تهران ، خیابان دکتر بهشتی ، خیابان صابونچی (مهناز) کوچه مهناندرست ، پلاک ۸
تلفن : ۸۰۰ ۴۲ ۲۶ - ۸۵۰ ۴۲ ۲۹
نمابر : ۸۵۰ ۴۲ ۲۹
No : 8 , Mehmandust Alley , Sabunchi (Mahnaz) St. Dr. Beheshti Ave. Tehran- Iran
Tel : +9821 - 88 50 42 26 - 8 Fax : +9821 - 88 50 42 29
www.sarebangallery.com sarebangallery@gmail.com

Opening: 24th Jan 2014
Public visit: 25 Jan to 3 Feb 2014
from 4 to 8 pm.
Gallery is closed on Tuesday



گالری ساریان Sareban Gallery